

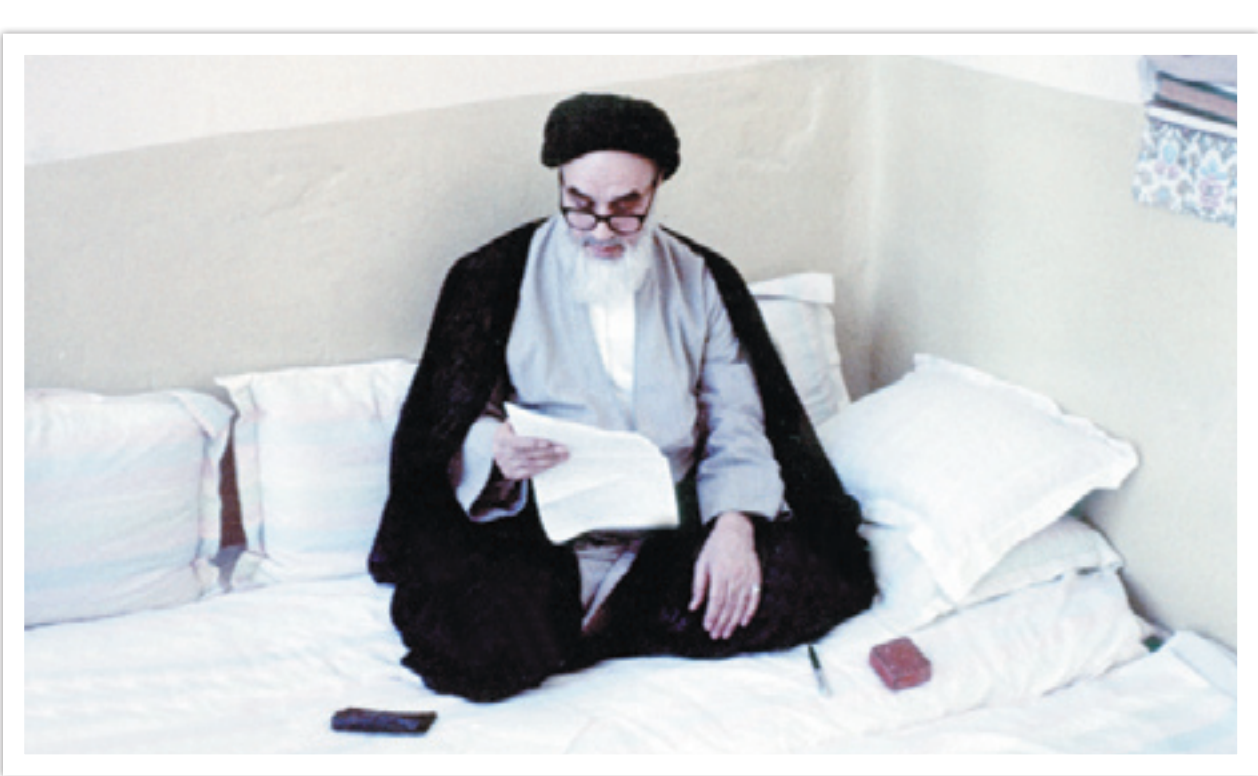


صفحه‌ای که اکنون هممان چشمان شماست، در هیاهوی بوق‌هایی که هر روز تلاش می‌کنند با هزاران ترفند از کاه، کوه بسازند و به زور انتشار شایعات هم که شده در شهر فرنگشان همه مسئولان کشورمان را فاسد نشان دهند، از هزار لای دستگاه چاپ بیرون آمده تا ضمن معرفی و تقدیر از خدمتگزارانی که تلاش کردند دانششان به نجاست کاخ‌نشینی آورده نشود، به دل‌های روشن، گوش‌های شنوا و چشم‌های بینا بفهماند به قول امام (ره) بزرگوارمان عظمت و قدرت نه به کاسه و بشقاب نقره بلکه به حقیقت انسان است که اگر بروز کند شرافتمند است. سعی بر آن است، به کلبه درویشی هر عزیزی که هممان می‌شویم توشه‌ای آماده سازیم که دور از دسترس و رؤیایی نباشد تا الگویی برای امروز و فردا ثبت شود. برای مطلع کار چه کسی بهتر از امام عزیزمان که خود مظهر بارز شرافت و حقیقت انسان بود و نشان داد در همین دوران که چکمه‌های مصرف‌گرایی پدر انسان را در آورده می‌توان ساده‌زیست و همچون نور در عمق جان نافوذ کرد.

بررسی زندگی و خوی‌کوخ‌نشینی رهبر مسلمین جهان در مصاحبه‌ای غیر حضوری

امام خمینی (ره):

خاک بر سر من که بخواهم خون شمار ریخته شود و من استفاده اش را ببرم!



غیررهبری در کار نیست؛ قضیه نهضت است و صف واحد، همه با هم ^(ص۱۱۲/۱۱۱) خدا می‌داند شخصاً برای خود در‌های مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستیم. ^(ص۱۱۲/۱۱۲) من هیچ حقی ندارم. شما خون دادید. شماها به میدان رفتید؛ شماها مبارزه کردید؛ ما هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم. خاک بر سر من که بخواهم استفاده عنوانی از شما بکنم! خاک بر سر من که بخواهم خون شما ریخته بشود و من استفاده‌اش را ببرم ^(ص۱۱۳/۱۱۱)

انجمن اسلامی دانشجویان مقیم امریکا در جزوه‌ای آورده‌اند شما به عنوان رهبر نیست، یک و جب زمین نارید. این صحیح است؟ دروغ است، ما در خمین زمین داریم که الان در اختیار اخوی پسندیده است ولی خرج نیازمندان می‌کنند ولی دلیل نمی‌شود که زمین ندارم. ^(ص۱۱۳/۱۱۳)

یعنی زمین را وقف کرده‌اید؟ اینجانب حق خود را واگذار کرده‌ام به کسانی که خانه ساخته یا می‌خواهند بسازند از فقرا و مستمندان. ^(ص۱۱۳/۱۱۳) **عده‌ای معتقدند سادەزیستی منجر خواهد شد سران کشور‌های دنیا با حالتی تحقیر آمیز به دولت و رهبر ایران بنگرند. نظر شما درباره این گفته چیست؟**

این خوف‌رادر خودتان راه ندهید. شما گمان نکنید چنانچه ساده عمل کنید، تحقیر خواهید شد. خیر، این حرف، حرف غریزدهاست که خیال می‌کنند اگر مثل غرب‌باشیم، تحقیر



اكتفا به حداقل‌ها در وسایل شخصی

هم که برمی‌داشتند و تصور می‌شد برای خودشان قبول کرده‌اند، گاهی بعداً معلوم می‌شد که این‌طور نبوده است و می‌خواستند خودشان به شخصی مورد نظر بدهند. [به عنوان نمونه] یکی از مؤمنان کویتی یک قواره پارچه قبا آورده بود که خدمت امام(ره) تقدیم شد. چند روز بعد، در حالی که می‌خواستم از محضرشان مرخص شوم، در آستانه در اتاق، امام(ره) فرمودند آن چیز [شاره به پشت پرده اتاق کردند] مال شماست، بردارید. [آیدم] همان پارچه قبا بود. ^(ص۱۱۳)

می‌شویم. ^(ص۱۱۲/۱۱۲) قدرت به این نیست که طرف طلا [و] نقره باشد؛ قدرت، بزرگی و عظمت به این نیست که پرده‌ها [و] میل‌ها کذا باشد، از مال این ملت ضعیفاً خود ملت توی این غار‌ها زندگی بکنند و شما در کاخ‌های دادگستری و در کاخ‌های نخست‌وزیری؟! تعدیل کنید خودتان را! اگر از خودتان شروع نکنید نمی‌توانید اصلاح کنید. ^(ص۱۱۳/۱۱۳)

عظمت انسان به لباس و کلاه و تومبیل و -نمی‌دانم- پارک وامثال ذلک نیست.انسان حقیقتی است که آن حقیقت اگر بروز کند شرافتمند است، عظمت دارد. ^(ص۱۱۳/۱۱۳) شما گمان نکنید که اگر با چندین تومبیل بیرون بیایید وجهتان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند، اینکه زندگی شما ساده باشد. آنها که جمهوری اسلامی را به

پاک‌کردند، مردم عادی هستند، اگر خدای نخواست، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است و ما باید مردم را [حفظ کنیم و حفظ آن برای اسلام باشیم. ^(ص۱۱۳/۱۱۳)

مواظب باشیم. ^(ص۱۱۳/۱۱۳)

به نظر شما سادەزیستی مسئولان چه موابهی به همراه دارد؟

در طول تاریخ، اسلکت حکومت‌ها را اشراف و اعیان تشکیل می‌دادند، کسانی که از اول کودکی تا آن‌وقتی که به حکومت رسیدند در مهد آرامش و رفاه بار آمدند. ^(ص۱۱۳/۱۱۳) وقتی کسی احساس کند که فقر معنائش چیست، گرسنگی معنائش چیست، این نمی‌تواند به فکر گرسنه‌ها و به فکر مستمندان باشد. لکن آنهایی که در بین همین جامعه بزرگ شدند

دنیا طلبان زحرس، مستند همه

موسی کش و فرعون پرستند همه

هر عهد که با خدا بستند همه

از دوستی حرص شکستند همه

ابوسعید ابوالخیر



اموال و دارایی‌های امام (ره)

مختصر اثاثی در قم و تهران

مطابق لیست ارسالی به دیوان عالی کشور، دارایی‌های غیرمنقول عبارتند از: یک باب منزل در محله باغ قلعه قم و قطعه زمینی ارث پدری که مشاع است بین اینجانب، آقای پسندیده و ورثه مرحوم اخوی که اجاره سهمیه اینجانب از قرار اطلاع آقای اخوی، سالی ۴هزار ریال است که داده نمی‌شود. دارایی منقول عبارتند از: وجه مختصری که نذورات و هدایای شخصی، اثاث منزل ندارم، مختصر اثاثی است در قم و تهران، ملک همسرم می‌باشد و همچنین دو قطعه قالی داده‌اند که اگر خواستم بابت خمس حساب کنم و مال اینجانب ورثه نیست باید به سادات فقیر بدهند. چند جلد کتاب، بقیه کتبی است که در زمان شاه مخلوع به غارت رفت و نمی‌دانم چقدر است و چند جلد کتاب که از طرف مؤلفان هدیه شده است که قیمت تقریبی آن را نمی‌دانم، ولی قدر قابلی نیست. اثاثی که در منزل مسکونی فعلی در تهران است ملک صاحب منزل است، احمد اطلاع دارد. تمامی وجوهی که در بانک‌ها یاد در منزل یا نزد اشخاص است که آقای پسندیده مطلع هستند، به استثنای وجه مختصری که اشاره شد، و جوه شرعیه می‌باشد و ملک اینجانب نیست. ^(ص۱۱۳)

ازدواج امام (ره)



آقا اجازه استفاده از ظروف نقره رانداذ

خانم فاطمه طباطبایی، عروس حضرت امام خمینی(ره) درباره ازدواج امام در خاطرات خود به نقل از همسر ایشان آورده‌اند:«عقد ما در سنال ۱۳۰۸ در حرم حضرت عبدالعظیم(ع) خوانده شد. مهریه مبلغ هزار تومان بود... خرید عقد، دو قاوره پارچه یکی مخمل و دیگری حریر، یک انگشتر و یک جفت گوشواره طلا با یاقوت قرمز و مقداری وسایل دیگر بود که آنها را یکی از دوستان آقا از بازار شاه‌عبدالعظیم(ع) خریداری کرده بود... آقا خانه‌ای در نزدیکی پامنار اجاره کرد و چند روز پس از عقد، جهیزیه من آماده و چیده شد... جهیزیه به عبارت بود از: چهار دست پستی ترمه، دو دست رختخواب، کرسی و لحاف کرسی ترمه، مقداری ظروف قدیمی عتیقه، چراغ‌های قدیمی، دو تخته قالیچه و یک تخته فرش ۱۲ متری، دو یا سه سرویس چینی، سرویس نقره شامل قاشق و چنگال، کارد و چنگال، شیرینی خوری، آجیل خوری، شربت خوری، جای خوری و قندان که البته آقا اجازه استفاده از ظروف نقره را نداد، بعد از چند سال آنها را با ظروف دیگری تعویض کردم... دو سماور زغالی برنجی بزرگ و متوسط که تا زمان تبعید آقا از ایران در دفتر امام از آن استفاده می‌شد. برده اطلس راه‌راه قرمز برای دو اتاق، چهار عدد صندوق (دو عدد مخمل و دو عدد چرمی)، سرویس مخصوص حمام شامل لگن بزرگ و کوچک، سبئی بزرگ و کوچک مسسی و بقیچه‌های ترمه و حوله... عروسی ما در ماه مبارک رمضان بود چون امام مقید بودند که درس‌ها تعطیل باشد. شب پانزدهم یا شانزدهم ماه مبارک رمضان دوستان و قاضیل را دعوت کردند و لباس سفید و شیکی را که دختر عمه‌ام با سلیقه روی آن گل نقاشی کرده بود، دوختند و من پوشیدم.» ^(ص۱۱۳)

ساده مثل امام (ره)

بین جان من و جان پاسدارها تفاوت نیست!

آیت‌الله امام جمارتی: «امام به هیچ وجه حاضر نشد پناهگاهی برایش بسازند. احمدآقا یک روز با کمک ارتشی‌ها با جرقیل از این پناهگاه‌هایی آورده بودند که بتونی بود. امام ظهر که آمدند گفتند احمد این چه؟ چه کسی اینها را آورده؟ گفتند از ارتش است و اینها را برای حفاظت شما آوردند. امام خیلی عصبانی شدند و فرمودند: مگر همه مردم پناهگاه دارند که ما پناهگاه داشته باشیم. احمد والله من بین جان خودم و آن پاسداری که توی کوچی می‌گردد و حفاظت می‌کند سر سوزنی تفاوت قائل نیستم. اگر آنها پناهگاه دارند ما هم باید داشته باشیم، همه را بده جمع کنند.» ^(ص۱۱۳)

تو و مصطفی آخرش ما را جهنمی می‌کنید!

آیت‌الله طباطبایی می‌نژاد: «بخاطر شدت گرمی هوای نجف ابعاد از کلی اصراً [قرار شد جایی که آقا می‌نشیند کرسی درست کنند و داخل آن پنکه بگذارند. مرحوم قرهی نقل کرد که امام(ره) فرمودند تخته آن‌هایی که در زیر زمین هست بردارید و کرسی درست کنید. آقای قرهی به حاج آقا مصطفی گفته بود با این‌ها نمی‌شود و باید با نثویان درست کرد. خلاصه کرسی را با نثویان درست کردند. وقتی امام می‌بینند عصبانی شده و می‌گویند: مگر نگفتم با تخته‌های زیر زمین درست کنید، چرانثویان گرفتید؟ مرحوم قرهی می‌گفت ما ترسیدیم و گفتیم آقا مصطفی به ما گفته و انداختیم گردن حاج آقا مصطفی. امام با عصبانیت فرمودند: تو و مصطفی آخرش ما را جهنمی می‌کنید.» ^(ص۱۱۳)

مگر منزل صدر اعظم است؟

خانم فریده مصطفوی: «فرش‌های بیرونی منزل امام ناقص بود. من عرض کردم اجازه بدهید برای این قسمت خالی فرش تهیه کنیم. امام فرمود آن طرف [یعنی در اندرون] فرش هست. عرض کردم آنها گلیم است و برای بیرونی خوب نیست. فرمود مگر منزل صدراعظم است؟ گفتم فوق منزل صدراعظم است، منزل امام زمان است! فرمود در منزل خود امام زمان هم معلوم نیست چه فرشی افتاده است؟» وضع ساده منزل امام(ره) در طول زندگی، حاکی از قناعت ایشان بود. معروف است که آجرهای پله‌های حیاط ایشان ساییده شده بود. بنی‌امی گوید تعدادی آجر تهیه شود تا آجرهای ساییده شده را عوض کند، حضرت امام می‌فرمایند: «همان آجرهای ساییده شده را پشت و رو کنید و کار بگذارید.» ^(ص۱۱۳)

من کاخ‌نشین نیستم!

آیت‌الله امام جمارتی: «از امام خواستم اجازه بدهند دیوارهای حسینیه را گچ و خاک کنیم، چرا که از سوراخ‌های آجر حسینیه تا انتهای منزل امام پیدا بود. گچ و خاک که تمام شد خواستیم آنجا را سفید کنیم. گوشه‌ای از سقف آنجا را که سفید کردند امام متوجه شدند و دستور توقف کار را دادند و فرمودند: «دارید برای من کاخ می‌سازید؟ من که کاخ‌نشین نیستم؟ این کار را انجام ندهید. اگر می‌خواهید اینجا را تزئینات بکنید بگذارید بعد از من. تا من هستم دیگر کاری نکنید.» ^(ص۱۱۳)

